

روحانیون وارد عرصه مقابله با شبهات شوند

صفحه ۲

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ ■ ۸ شعبان ۱۴۲۷ ■ ۱۵ مه ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۸۸۳ ■ صفحه ۱۶ ■ ۱۰۰۰ تومان



مکانی برای نقض قانون قهرمانی

صفحه ۱۴

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.08 ■ No.1883 ■ Sun.May.15.2016 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۷ سال و ۱۴۷ روز گذشت

تیتراهای امروز

فراخوان «وطن امروز» به مدیران:
در یافتی‌های نادر را به این حساب واریز کنید

شماره حساب بیت المال

افشای حقوق‌های نجومی مدیران بیمه مرکزی
شاید تلنگری باشد برای آنان که دینی از بیت‌المال
بر گردن‌شان است



صفحه ۳

جستاری پیرامون آسیب‌های
ترویج انحصاری انگلیسی

از زبان نفوذ تانیفوذ زبانی

صفحه ۱۲

سقوط ۴ پله‌ای رشد علمی کشور

صفحه ۴

اعتراض‌ها به دیدار دختر هاشمی با یکی از
سرکردگان فرقه ضالیه بهائیت ادامه دارد

واکنش علما به انحراف فائزه

صفحه ۲

اخبار

نهادن‌بان در جمع سفیران ایران در خارج از کشور:

برجام قرار نیست

برای ما رشد اقتصادی بیاورد

رئیس دفتر رئیس‌جمهور گفت: برجام قرار نیست برای ما رشد اقتصادی به همراه بیاورد، بلکه یکی از عمده‌ترین موانع بر سر راه رشد اقتصادی را برطرف کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، محمد نهاوندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهور در جمع سفیران و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور؛ برجام را یک حرکت هماهنگ، عالمانه، مدبرانه و صبورانه برای برداشتن موانع تحریم‌ها از مسیر رشد اقتصادی ایران اسلامی دانست و تأکید کرد: تحریم‌ها نه تنها مانع تحقق ویژگی برون‌گرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بودند، بلکه برای تحقق ویژگی درون‌زایی اقتصاد نیز مانع بزرگی به حساب می‌آیند. وی در این نشست که با عنوان «برجام و اقتصاد مقاومتی، فرصت‌ها و ظرفیت‌ها»، در محل وزارت امور خارجه برگزار شده، گفت: برجام قرار نیست برای ما رشد اقتصادی به همراه بیاورد، بلکه یکی از عمده‌ترین موانع بر سر راه رشد اقتصادی را برطرف کرد تا با تکیه بر توان درونی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بیرونی بتوان رونق اقتصادی ایجاد کرد. رئیس دفتر رئیس‌جمهور اظهار داشت: اهمیت بسیار برجام به ویژه در عرصه اقتصادی مهم‌تر از برجام است، اما باید این نکته مهم را در نظر داشت که تحقق انتظاراتی که از بسیار برجام می‌رود نیازمند همدلی در بهره‌گیری از فرصت‌ها و زمان‌ها است.

سخنگوی ناچا خبر داد

دستگیری یکی از عوامل انفجار

دفتر حزب جمهوری اسلامی

سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی نیروی انتظامی روز گذشته از دستگیری یکی از عناصر منافق در کشور آلبانی که در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی نقش آفرین بود خبر داد و گفت: این دستگیری با همکاری پلیس اینترپل و وقوع پیوسته است و وی به زودی به ایران منتقل خواهد شد.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱



صفحه ۱۵

ایستاده با ذوالفقار

■ حزب الله لبنان: انفجاری که به شهادت مصطفی بدرالدین منجر شد
بر اثر حمله توپخانه‌های گروه‌های تکفیری به یکی از مقرهای حزب الله در حومه دمشق بود
■ بر عزم و اراده ما برای ادامه جنگ علیه گروه‌های جنایتکار افزوده خواهد شد
■ جنگ ما یک جنگ واحد علیه طرح آمریکایی - صهیونیستی است

از جورج کلونی سودانی تادی کاپریوی ایرانی!

■ محمد واعظی

■ **مماشات با خائن**
در برابر چنین موج تبلیغاتی، بروز جنبش‌هایی همچون مقابله با کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی مروج فحشا توسط مردم، پوشش مردمی مطالبه انتشار فیش حقوقی مدیران دولتی برای نظارت بر اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری یا تلاش مدنی دانشجویان و نخبگان و روشنفکران در اعمال فشار اجتماعی بر وزارت نفت برای انتشار متن کامل قراردادهای جدید نفتی و اصلاح موارد مالی صاحبان به ارائه نمایه‌ای مملو از اسراف و ولخرجی در دوره بروز «بحران اقتصادی» اعلام کردند. در حقیقت غربی‌ها بسیار دقت دارند که به اصول «اقتصاد مقاومتی» حتی پس از دوره توسعه یافتگی مقید بوده و ثروت شخصی خود را در حوزه «کسب و کار» خرج ایجاد بحران‌های اجتماعی و ایجاد حساسیت مردمی نکنند. این روند خود نشانه‌ای از اهمیت جدیت رصدگری مردم و رسانه‌ها در حوزه مسائل کلان دارد. این دقیقاً خلاف رویه حکام و سلاطین عرب است که بریز و بپاش و حیف و میل بیت‌المال را از حقوق حاکم برمی‌شمارند و اصرار بر نمایش جت شخصی مطلا و کاخ و اشرافی‌گری دارند. مردم در یک جمهوری معتقد به «حقوق مردم»، به اقتصاد مقاومتی و نمایه‌ی صیانت از بیت‌المال اهمیت می‌دهند و در یک کشور عقب‌مانده بی‌اعتنا به دموکراسی، با «سطحی‌نگری اجتماعی» به حکم همان سلاطین جور و ظلم خود می‌گیرند.

■ **مطلبه‌گری صحیح**
پس بزرگنمایی مسائل سطحی خواه‌ناخواه وقت و انرژی جامعه را برای تمرکز بر مسائل مهم ضایع کرده و در بحبوحه بی‌هدف و بی‌آرامی اجتماعی، می‌توان در ذیل شعاردهی پیرامون عمل به نسخه «اقتصاد مقاومتی»، فیش حقوقی میلیون‌ها مدیران دولتی را توجیه کرد. دقیقاً به همین دلیل است که کارشناس - مجری بی‌بی‌سی با دفاع از تخلف آشکار، حقوق و مزایای ۸۰ میلیون مدیران مرکزی را در دوره «بی‌پولی» و «ورشکستگی احتمالی بیمه‌ها» و اجرای سیاست «ریاضت اقتصادی» دولت روحانی، کاملاً منطقی و در رقابت با بخش خصوصی عنوان می‌کند تا جنبش اعتراضی ضلیمی قراردادهای جدید نفتی و مطالبه «بی‌عدالتی اجتماعی» و «بریز و بپاش اقتصادی»، هر چه سریع‌تر پایان یابد. در مقابل پرونده «همیت برگزاری کنسرت‌های موسیقی» در ایران رابه عنوان خط خبری برگزیده، روزها و ماه‌ها ادامه می‌دهد و هرگز به تزئین سالن برگزاری کنفرانس‌های نفتی ایران با دسته‌های گل گران‌قیمت «ارکیده» بندهای ضلیمی قراردادهای جدید نفتی و مطالبه اجتماعی مهم مردم برای ساماندهی فضای آلوده سایبر نمی‌پردازد.

سطحی و غیر مهم هستیم. جوسازی پیرامون سرفصل‌های خبری که در زندگی اغلب مردم نقش مهمی ندارد همچون بزرگنمایی مسائل زندگی یک زوج مجری، ماجراهای عشقی یک خواننده زیرزمینی، پرونده یک حیوان آزار، دوطبقی‌سازی پیرامون برنامه‌های طنز و وادار کردن روشنفکران و رسانه‌ها و حتی صدا و سیما به نقش آفرینی در همین پارز، بخشی از این پروژه می‌تواند باشد.

■ **سطحی‌نگری ملی**
مردم در برخورد با معضلات اجتماعی حقیقی همچون اختلاف طبقاتی، ورشکستگی تولیدکنندگان با افزایش سرسام‌آور واردات، فساد اداری، خصوصی‌سازی حوزه‌های عمومی همچون آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و به کل تغییر اهداف و آرمان‌های جامعه انقلابی به تدریج «بی‌حس» شده و زمین حضور خود را تعویض می‌کنند. در چنین شرایطی مطالعه روزانه و شبانه صفحات مد و فشن به جای تاریخ و سیاست و تمرکز بر مهارت‌های زندگی، و ضرور صداره آگهی‌های تجاری - تبلیغاتی برندهای خوراکی و کامنت‌گذاری میلیونی ذیل صفحات اخبار هالیوود و نظرسازی درباره جریان‌سازی‌های مشکوک پیرامون زندگی افرادی که یک شبه در راس هرم شهرت تعریف می‌شوند، تبدیل به اولویت زیست مردم در فضای مجازی و زندگی حقیقی می‌شود.

■ **مهندسی مطالبات اجتماعی**
یکی از روش‌های مهندسی جوامع با هدف شکست اهداف و آرمان‌های درونی ایجاد احساس ناامیدی و نااوتانی در بین مردم در میانه راه برای دلسرد شدن از پیگیری مطالبات صحیح با «انصراف آرمایی» است. بزرگنمایی حوادث اجتماعی هیجانی و در عین حال ارائه مکرر اخبار سیاه و منفی از حوزه‌های آرمایی، بتدریج به «سطحی‌نگری عمومی»، «شکست جنبش‌های روشنفکری» و پرهیز از پیگیری مطالبات مهم بر زمین مانده می‌انجامد. این همان پروسه‌ای است که در جوامع عربی که سابقه مبارزه‌طلبی روشنفکران و مردم آنها برای تحقق اهدافی همچون «عدالت اجتماعی»، «خودکفایی ملی» و «استکبارستیزی» چند دهه زودتر از مردم ایران در دوره معاصر شروع شد، به سادگی قابل ردیابی است.

به دلایل مختلف به نظر می‌رسد نسخه استعمار برای جامعه ایرانی نیز منطبق بر همین نقشه قدیمی است. در طول ۲ سال اخیر شاهد تمرکز شدید مطالبات اجتماعی در فضای مجازی بر مسائل

یادداشت امروز

چه وقت مذاکره خطرناک است؟

وضعیت خاص

■ مهدی محمدی

آیا مذاکره همیشه یک ابزار کارآمد در دیپلماسی است؟ ظرف ۲-۳ سال گذشته یک دیدگاه پرنفوذ در حوزه سیاست‌گذاری دیپلماتیک در ایران این بوده که مذاکره ابزاری است که اگر مفید نباشد لاقبل بی‌ضرر است بنابراین حتی در مقابل دشمن، بهتر این است که شما همواره با او در حال مذاکره باشید تا اینکه فرآیند دیپلماتیک به کلی قطع شود. به طور مشخص درباره آمریکا، هواداران این دیدگاه عقیده دارند مذاکره با آمریکا در هر حال بهتر از عدم مذاکره است، چرا که درون مذاکره است که:

اولاً- دیدگاه‌ها شفاف و سوءتفاهم‌ها رفع می‌شود
ثانیاً- اشتباهات محاسباتی طرف مقابل به حداقل می‌رسد
ثالثاً- امکان برخورد‌های تصادفی و پیش‌بینی‌نشده از میان می‌رود
رابعاً- نوعی عادت به تبادل نظر و همکاری شکل می‌گیرد
خامساً- زمینه‌های مشترک برای همکاری خود را بتدریج نشان می‌دهد
سادساً- در مجموع از غلظت وضعیت خصمانه میان دو طرف کاسته می‌شود.

براساس همین منطق بوده است که کسانی در میان هواداران این دیدگاه عقیده داشته‌اند «ایجادو حفظ زیرساخت تماس با آمریکا» مهم‌تر از برجام است و فرآیند ۲/۵ ساله مذاکرات اگر یک دستاورد داشته باشد همین است که کانال ظرفیت‌گری شکل گرفته و به طور مستمر فعال است. پدیده‌های با ظاهر غربی مانند قدم زدن در خیابان‌های ژنو به همراه وزیر خارجه آمریکا یا حتی نشانیدن دستگاه‌های امنیتی دو طرف پای میز مذاکره را دقیقاً باید از همین دیدگاه تحلیل کرد که بخش‌هایی از دولت عقیده دارند مذاکره با آمریکا دارای مطلوبیت ذاتی است ولو اینکه از دل آن چیزی بیرون نیاید. در یک جمله، این پدیده‌های است که «آنتونی بلینکن»، معاون وزیر خارجه آمریکا آن را «عادت به همکاری» میان دولت‌های روحانی و اوپاما خوانده است.

احتمالاً براساس همین پیش‌فرض‌هاست که پروژه مذاکرات منطقه‌ای با عربستان و آمریکا هم روی میز برخی محافل دیپلماتیک قرار گرفته است. آمریکایی‌ها اراده خود را در این باره که میلند چنین مذاکراتی آغاز شود، مدت‌هاست شفاف کرده‌اند. به طور مشخص اظهارات «بن رودز»، معاون مشاور امنیت ملی آمریکا پس از اجلاس اخیر میان اوپاما و سران کشورهای حاشیه خلیج‌فارس همچون سخنان ماه گذشته «جو بایدن»، معاون وزیر خارجه آمریکا در اجلاس آیپک، حاوی نشانه‌های روشنی است از اینکه «نوانمندی‌سازی اعراب برای ورود به مذاکره از موضع قدرت در ایران» یکی از ستون‌های استراتژی جدید منطقه‌ای آمریکاست. اینکه چرا آمریکا به این فکر افتاده و آیا اساساً چنین سناریویی امکان تحقق دارد یا نه، موضوع این نوشته نیست، بلکه در این نوشته، هدف طرح این سوال است: آیا حقیقتاً آنگونه که هواداران مذاکره در داخل ادعا می‌کنند، گفت‌وگو و دیپلماسی، حتی با دشمنی مانند آمریکا همواره یک ابزار مفید یا لاقبل بی‌ضرر است؟

واقعیت این است که حداقل ۸ وضعیت خاص را می‌توان فهرست کرد که در آنها مذاکره نه‌تنها مفید نیست و به گرفتن هیچ امتیاز مهم یا حل هیچ مساله غامضی منتهی نخواهد شد بلکه به خودی خود مضر هم هست. این حالت‌ها چنین است:
۱- وقتی تیمی ضعیف دارید: نخستین حالتی که در آن ورود به مذاکره خطرناک است، وقتی است که تیم مذاکره‌کننده شما ضعیف است. ضعیف در اینجا، چیزی فراتر از معنای عرفی آن و به معنای باور نداشتن به مولفه‌های قدرت ملی، قدرتمندتر دانستن دشمن از آنچه واقعاً هست، تبعیت از منطق و پیش‌فرض‌های مذاکراتی دشمن و همچنین به رسمیت شناختن نگرانی‌های ساختگی دشمن است.
۲- وقتی درک درست‌ی از قدرت خود ندارید: حالت دیگری که در آن مذاکره خطرناک است زمانی رخ می‌دهد که مذاکره‌کننده نسبت به ابعاد قدرت ملی خود دچار سوءتفاهم باشد و آن را بسیار بیشتر یا بسیار کمتر از آنچه واقعاً هست در نظر بگیرد.
ادامه در صفحه ۵